

« به نام خداوند بخشنده و مهربان »

وزارت علوم، تحقيقات و فناوري

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

گروه ادبیات فارسی

فرهنگ لغات و تعبيرات و اصطلاحات ديوان آذربيگدلي

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

گرایش ادبیات فارسی

دانشجو

رؤیا بنيانی

استاد راهنما

دکتر محمدتقی آذرمینا

استاد مشاور

دکتر محمدحسین سرداغي

بهمن ماه ۱۳۹۲



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه ارشد

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد **خانم رؤیا بنياني** دانشجوی رشته ادبیات فارسی تحت عنوان: **"فرهنگ لغات و تعبيرات و اصطلاحات ديوان آذريگدلي"** در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با شماره ۱۸۸۴۰۵ با درجه **بسیار خوب** تایید هیئت داوران قرار گرفت.

| ردیف | سمت | نام و نام خانوادگی | مرتبه‌ی دانشگاهی | دانشگاه یا مؤسسه | امضا |
|------|------------------------|-----------------------------|------------------|------------------------------------|---|
| ۱ | استاد راهنما | دکتر محمد تقی آذرمینا | استاد یار | دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) |  |
| ۲ | استاد مشاور | دکتر محمد حسین سرداغی | استاد یار | دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) |  |
| ۳ | داور داخل | دکتر سید اسماعیل قافله باشی | استاد یار | دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) |  |
| ۴ | نماینده تحصیلات تکمیلی | دکتر نصراله پورمحمدی املشی | استاد یار | دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) |  |

فرم پ ۲-۲: اصالت اثر / پايان نامه (فرم شماره ۲۸)



تعهدنامه اصالت اثر

اينجانب، رؤيا بنياني..... دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبيات فارسی..... گرايش که در تاريخ ۱۳۹۲/۱۱/۹..... از پايان نامه ي خود تحت عنوان فرهنگ لغات و تعبيرات و اصطلاحات ديوان آذربيگدلي..... با کسب درجه ي دفاع کرده ام، شرعا و قانونا متعهد مي شوم:

۱. مطالب مندرج در اين پايان نامه، حاصل تحقيق و مطالعه اينجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی ديگران اعم از پايان نامه، کتاب، مقاله و غيره استفاده کرده ام، با رعایت کامل امانت، مطابق مقررات، اقدام به ارجاع در متن و ذکر آن در فهرست منابع و مآخذ نموده ام.
۲. تمامی يا بخشی از اين پايان نامه قبلا برای دریافت هيچ مدرک تحصیلی به ساير دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. مقالات مستخرج از اين پايان نامه کاملا حاصل کار اينجانب بوده و از هرگونه جعل داده و يا تغيير اطلاعات پرهيز کرده ام.
۴. از ارسال همزمان و يا تکراری مقالات مستخرج از اين پايان نامه (با بيش از ۳ درصد همپوشانی) به مجلات و يا همایش های گوناگون خودداری نموده و مي نمايم.
۵. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از اين پايان نامه متعلق به دانشگاه بين المللی امام خميني (ره) بوده و متعهد مي شوم هرگونه بهره مندی و يا نشر دستاوردهای حاصل از اين تحقيق اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غيره (چه در زمان دانشجویی و يا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از استاد (استادان) راهنما باشد.
۶. در صورت اثبات تخلف و نقض موارد پنجگانه فوق (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه بين المللی امام خميني (ره) از درجه اعتبار ساقط و اينجانب هيچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو رؤيا بنياني

امضاء

فرم پ ۲-۳: سوگندنامه/پایان نامه (فرم شماره ۴۰)



سوگندنامه دانش آموختگان کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

به نام خدا

- سپاس ایزد منان را که مرا مشمول الطاف خویش نمود که با طی مراحل تحصیل موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد شوم. به شکرانه این نعمت بزرگ الهی که با امکانات این مرز و بوم، فراهم و نزد اینجانب به امانت گذاشته شده است، در پیشگاه ملت ایران به کتاب آسمانی خود، قرآن کریم، سوگند یاد می کنم که:
- در سراسر زندگی حرفه ای، در راه اعتلای کشور ایران و جامعه بشری به نحو احسن قدم برداشته و در این راه از هیچ تلاشی دریغ ننمایم.
 - در تمام فعالیت های تخصصی، رضای خدا را همراه با صداقت علمی و اجتماعی در نظر داشته و از موقعیت های به دست آمده در جهت رفع مشکلات جامعه استفاده کنم و در همه ی امور، منافع کشور را بر منافع فردی مقدم بدارم.
 - همواره علم و دانش خود را به روز نگاه داشته و در ایفای مسئولیت و تعهدات حرفه ای در حد توان سعی و تلاش خود را به کار گیرم.
 - و اینکه از خداوند علیم توفیق بندگی و پای بندی به مفاد این سوگندنامه را خواستارم و از او می خواهم که مرا در ایفای رسالت علمی و انسانی خویش موفق بدارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

رؤیا بنیانی

امضاء

فرم پ ۲-۳: فرم مجوز بهره برداری از پایان نامه/ رساله

مجوز بهره برداری از پایان نامه / رساله

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه / رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه/ رساله برای همگان بلامانع است.
 بهره برداری از این پایان نامه/ رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
 بهره برداری از این پایان نامه/ رساله تا تاریخ ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشد.

نام استاد و یا استاذ راهنما:
تاریخ: ۹۲/۱۲/۲۱
امضاء:

چکیده:

آذر بیگدلی (۱۱۹۵-۱۱۳۴ ه.ق) از شاعران دورهٔ بازگشت ادبی محسوب می‌شود که در شکل‌گیری شعر این دوره از تاریخ ادبیات فارسی، نقش مهم و به سزائی ایفا نموده است. آذر به واسطهٔ داشتن ذهنی خلاق و نبوغی شاعرانه در عرصهٔ شعر فارسی یکی از شاعران برجسته و توانای عصر بازگشت ادبی می‌باشد. وی میراث دار حدود هشت قرن شعر فارسی است و به جهت آشنایی با دواوین و اشعار پیشینیان از گنجینهٔ لغات آن‌ها بهره‌مند بوده و در مجموعهٔ اشعارش تسلط او بر لغات و ترکیبات مشاهده می‌شود که اندکی از آن را در این پایان‌نامه نشان داده ایم. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که با بررسی و نشان دادن لغات و ترکیبات مهم و برجستهٔ دیوان وی مقام و مرتبهٔ اش در بین شاعران سدهٔ دوازدهم آشکار گردد. در این پایان‌نامه مفردات، ترکیبات، لغات دخیل از عربی و ترکی و امثال آن گردآوری شده و مجموعهٔ لغاتی که از جهت سبک‌شناسی و تاریخ زبان و نقد شعر مورد توجه بوده است گرد آمده است. بدیهی است لغاتی که جنبهٔ عمومی و پربسامد داشته مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به آن که آذربیکدلی از شاعران قرن دوازدهم محسوب می‌شود؛ تحقیق در لغات و ترکیبات دیوان وی تکمیل‌کنندهٔ فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های فارسی محسوب می‌شود. این پایان‌نامه شامل یک مقدمه و متن مشتمل بر بررسی و دو فصل می‌باشد که در هر فصلی لغات و ترکیبات بر اساس فن لغت‌نویسی مرتب شده است.

واژگان و عبارات کلیدی:

آذربیکدلی، دیوان آذر، لغات نادر و کم‌استعمال، تقلید از قدما، شعر قرن دوازده، سبک شعر قرن دوازده، لغت‌شناسی قرن دوازده.

« فهرست مطالب »

| عنوان | صفحه |
|---|-------|
| چكیده | ب |
| فهرست علائم | ح |
| فهرست نشانه های اختصاری | خ-د |
| مقدمه: | ذ-ه |
| شرح حال شاعر | ذ-ر |
| معرفی ديوان | ر |
| بررسی کلی سبک این دوره (بازگشت) | ز-س |
| اختصاصات سبک ديوان | س-ش |
| تأثیر قرآن و حدیث در ديوان آذر | ش-ف |
| تأثیر علم نجوم بر ديوان آذر | ق |
| لغات نادر و شاذّ مربوط به سبک دوره | ق-ل |
| شیوه تحقیق و روش تألیف این پایان نامه | ل-م |
| یادداشت ها | م |
| منابع و مأخذ مقدمه | ن-ه |
| ایات ترکی | و-ث ث |

متن اصلی:

فصل اول: حرف الف

۱- ۶

| | |
|-----------------|---------------------------|
| ۷- ۲۸..... | فصل دوّم: حرف همزه |
| ۲۹ - ۴۴ | فصل سوّم: حرف ب |
| ۴۵ - ۵۲ | فصل چهارم: حرف پ |
| ۵۳ - ۶۵ | فصل پنجم: حرف ت |
| ۶۶ - ۶۸ | فصل ششم: حرف ث |
| ۶۹ - ۷۷ | فصل هفتم: حرف جيم |
| ۷۸ - ۸۳ | فصل هشتم: حرف چ |
| ۸۴ - ۹۲ | فصل نهم: حرف ح |
| ۹۳ - ۱۰۸ | فصل دهم: حرف خ |
| ۱۰۹ - ۱۲۴ | فصل يازدهم: حرف دال |
| ۱۲۵ - ۱۲۷ | فصل دوازدهم: حرف ذال |
| ۱۲۸ - ۱۳۹ | فصل سيزدهم: حرف ر |
| ۱۴۰ - ۱۴۸ | فصل چهاردهم: حرف ز |
| ۱۴۹ - ۱۷۲ | فصل پانزدهم: حرف سين |
| ۱۷۳ - ۱۸۵ | فصل شانزدهم: حرف شين |
| ۱۸۶ - ۱۹۴ | فصل هفدهم: حرف صاد |
| ۱۹۵ - ۱۹۷ | فصل هجدهم: حرف ضاد |
| ۱۹۸ - ۲۰۷ | فصل نوزدهم: حرف طا |
| ۲۰۸ - ۲۰۹ | فصل بيستم: حرف ظا |
| ۲۱۰ - ۲۱۹ | فصل بيست و يكم: حرف عين |
| ۲۲۰ - ۲۲۵ | فصل بيست و دوّم: حرف غين |
| ۲۲۶ - ۲۳۱ | فصل بيست و سوّم: حرف ف |
| ۲۳۲ - ۲۳۸ | فصل بيست و چهارم: حرف قاف |
| ۲۳۹ - ۲۵۰ | فصل بيست و پنجم: حرف كاف |

| | |
|-----------|--|
| ۲۵۱ - ۲۵۷ | فصل بيست و ششم: حرف گاف..... |
| ۲۵۸ - ۲۶۳ | فصل بيست و هفتم: حرف لام..... |
| ۲۶۴ - ۳۰۲ | فصل بيست و هشتم: حرف ميم..... |
| ۳۰۳ - ۳۲۰ | فصل بيست و نهم: حرف نون..... |
| ۳۲۱ - ۳۲۴ | فصل سي ام: حرف واو..... |
| ۳۲۵ - ۳۳۱ | فصل سي و يكم: حرف ه..... |
| ۳۳۲ - ۳۳۵ | فصل سي و دوّم: حرف ي..... |
| ۳۳۶ - ۳۵۹ | فهرست لغات و تركيبات |
| ۳۶۰ - ۳۶۱ | فهرست عبارات و تركيبات و جملات عربي..... |
| ۳۶۲ - ۳۶۳ | فهرست اعلام |
| ۳۶۴ - ۳۶۶ | منابع و مراجع..... |

فهرست علائم:

| | | |
|-----------------|---|---|
| آ | ← | ā |
| همزه (وسط) | ← | ◌ |
| او | ← | ū |
| ج | ← | ǰ |
| چ | ← | č |
| خ | ← | x |
| رجوع کنيدبه | ← | ← |
| ژ | ← | ž |
| ش | ← | š |
| ع (در وسط کلمه) | ← | ◌ |
| عنوان فرعی | ← | - |
| غ،ق | ← | ƒ |

فهرست نشانه های اختصاری:

| | | |
|----------------|---|------------|
| اسم | ← | ا |
| اسم مرکب | ← | ا مرکب |
| اسم خاص | ← | ا خ |
| اسم مصدر | ← | ا مص |
| جمع | ← | ج |
| جمع الجمع | ← | ج ج |
| حاصل مصدر | ← | ح امص |
| صفت | ← | ص |
| صفت نسبی | ← | ص نسبی |
| عربی | ← | ع |
| اسم عربی | ← | ع ا |
| صفت عربی | ← | ع ص |
| حاصل مصدر مرکب | ← | ح امص مرکب |
| قید | ← | ق |
| مصدر | ← | مص |
| مصدر مرکب | ← | مص مرکب |

| | | |
|----------------|---|----------------|
| نعت تفضيلي | ← | ن تف |
| هجري شمسي/هجري | ← | ه.ش/ه.ق/م |
| نعت فاعلي | ← | قمری/میلادی نف |
| نعت مفعولي | ← | ن مف |

شرح حال شاعر:

حاج لطفعلی بیگ بیگدلی شاملو متخلص به آذر فرزند آقاخان در صبح شنبه هشتم ربیع الثانی سال (۱۱۳۴ ه.ق) در اصفهان متولد شد. مقارن تولد آذر فتنه محمود غلیجایی افغان روی داده و ناچار تمامی خانواده او به قم هجرت کرده و آذر چهارده سال از عمر خود را در آن جا گذراند. در اول جلوس نادرشاه افشار که پدرش به حکومت لار و سواحل دریای خلیج فارس رسید، خانواده آذر به شیراز رفتند. اما پدر وی بعد از دو سال درگذشت. پس از مرگ پدر، با عم خود عازم سفر حج و زیارت عتبات شد و پس از مراجعت به خراسان رفت. در خراسان به اردوی نادرشاه پیوست و همراه اردوی نادری از راه مازندران به آذربایجان رفت. پس از این سفر، عازم عراق عجم شد و در اصفهان سکنی گزید، و چندی به خدمت دیوانی مشغول شد، بعد از قتل نادر شاه چندی از ملازمان رکاب علی شاه و ابراهیم شاه و شاه سلیمان و شاه اسماعیل بود و به مناصب عظیمی دست یافت اما بعد از اغتشاش احوال آن دو پادشاه، آذر که سخت از ناسازگاری روزگار شاکی بود تصمیم گرفت که از امور دیوانی کناره بگیرد و به تصوف روی آورد و به سلوک پردازد. بنابراین در اواسط عمرش که اوایل دولت کریم خان زند بود ملازمت را ترک و به خدمت دانش و فرهنگ و ادب درآمد و به سرودن شعر پرداخت. در سال (۱۱۸۸ ه.ق) به کسوت فقر ملبس شد و به خدمت جمعی از افاضل علما و اعظام شعرا رسید و بعد از بهره مندی از صحبت هریک به سبب شوق ذاتی به گفتن شعر متمایل شد و بیشتر قواعد نظم را از میرسید علی مشتاق آموخت. آذر دیوان شعری سروده بود که در تاراج اصفهان به غارت می رود و به خاطر همین موضوع تا مدت ها شعر نمی سراید اما بعد از سالها خاموشی دوباره به سرودن اشعار نغز خود می پردازد. [۱] آذر چند تخلص اختیار نموده از جمله در جوانی «واله» و «نکته»، مدتی نیز «محروم» تخلص داشته و سرانجام تخلص «آذر» را برگزیده است. [۲]

علاوه بر دیوان وی که قریب به دوازده هزار بیت است، آذر همچنین آثار دیگری هم دارد: مثنوی ای به نام «مثنوی یوسف و زلیخا» بر وزن گلشن راز و به شیوه یوسف و زلیخای جامی، «دفتر نه آسمان» در شرح حال شعرای معاصر خودش، مثنوی دیگری نیز به نام «گنجینه» به تقلید بوستان سعدی به او منسوب است. [۳]

به گفته محمود مدبری در مقاله آذر و آتشکده، مثنوی یوسف زلیخای وی در هشت هزار بیت و در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور است. از قرن چهارم تا کنون بیش از شانزده مثنوی یوسف و زلیخا نوشته شده که مشهورترین آن متعلق به عبدالرحمن جامی است.

به گفته رضاقلیخان در مجمع الفصحاء، مهم‌ترین اثر آذر بیگدلی تذکره عمومی معروف و مفصل او آتشکده مشهور به آتشکده آذر است که آن را در طی سی سال به نام کریم‌خان زند گردآوری و تألیف کرده است. آتشکده ترتیبی جغرافیایی دارد و مشتمل بر یک شعله و دو مجمره است، شعله در اشعار شاهان و امیران و مجمره اول در زندگینامه شاعران قدیم و مجمره دوم در اشعار و زندگی سرایندگان معاصر مؤلف است. [۴]

آذر در بیشتر انواع شعر از غزل و قصیده و مثنوی و رباعی طبع آزمایی کرده است. وی قصایدی در مدح جانشینان نادر و کریم‌خان زند و برخی از معاصران خود دارد. مضمون غزلیاتش اغلب عرفانی و اخلاقی و عاشقانه است. [۵]

وی مدتی در خراسان و اصفهان و شیراز بود و مداح جانشینان نادرشاه و سپس مداح کریم‌خان زند بود اما در اواخر عمر از اصفهان به قم رفت و در سال ۱۱۹۵ در قم وفات یافت. برخی مدفن وی را در اصفهان در باغ خود آذر ضبط نموده اند که اثری از این مزار امروزه موجود نیست و گویا از بین رفته است. اما اغلب مزار وی را در دارالمؤمنین قم در جوار صحن مطهر حضرت معصومه (س) داخل سردابه خانوادگی بیگدلی دانسته اند. اولاد و احفاد و افراد دودمان آذر نیز مزار وی را در قم و در سردابه خانوادگی بیگدلی می دانند. [۶]

معرفی دیوان :

دیوان آذر بیگدلی قریب به دوازده هزار بیت است که به کوشش دکتر غلام حسین بیگدلی و استاد سید حسن سادات ناصری تصحیح و تدوین شده است. برای ترتیب دادن این دیوان از نسخ خطی موجود در کتابخانه های مجلس و ملک و دانشگاه تهران استفاده شد اما کامل ترین نسخه خطی نسخه موجود در کتابخانه خصوصی جناب آقای محمدرضا خان بیگدلی است که به سبب کامل بودن و معتبر بودن در تدوین دیوان به عنوان مأخذ اصلی مورد استفاده قرار گرفته است. دیوان آذر شامل غزل های عاشقانه شیرین و قصاید بلند پایه رنگین، مثنوی، قطعه، رباعی، ترکیب بند و ترجیع بند و ساقی نامه ها و.... می باشد. این اشعار به سبک بازگشت (سبک شاعران گذشته : سبک خراسانی و عراقی) است و ترکیبات و استعارات و نقش و نگارهای زائد و سرسام آور در آن دیده نمی شود بلکه این ها جای خود را به ساده نویسی داده است.

بررسی کلی سبک این دوره (بازگشت):

به دنبال انقراض حکومت صفوی و تاراج آثار علمی و ادبی ایران توسط افغانها، مانند تمام شئون کشور به شعر و ادب نیز تکانی سخت داده شد و شاعران و ادبا یا از میان رفتند یا ناامید در کنجی اسیر بدبینی و انحطاط شدند و در تمام دوران فترت (از زمان سلطنت شاه سلطان حسین تا پایان زندیه) رکود و انحطاط بر تمام سطوح حاکم شد و شاعران و نویسندگان ناچار به پوشیده و در پرده سخن گفتن روی آوردند اما عده ای همچنان سادگی را در شعر و نثر حفظ کردند. در دوران حکومت کریمخان زند که آرامشی نسبی بر جامعه حکمفرما شد مردم آگاه که می دیدند علم و ادب پایمال حوادث شده است در فکر چاره افتادند. اصفهان پرچم یک رستاخیز ادبی را به دوش گرفت و ناموزونی و نامأنوسی سبک هندی را اعلام کرد و به تدریج نظم و نثر ساده جای شیوه نامأنوس پیچیده گویی را گرفت و شاعران و نویسندگان که از مضمون پردازیها و خیالپردازیها و اغراقات دور از ذهن و پیچیدگیهای سبک هندی به ستوه آمده بودند از این سبک اعراض کردند و به شیوه ادبای گذشته روی آوردند و سبک هندی سیر نزولی خود را آغاز کرد.

چند تن از شعرای معروف اصفهان چون: سید محمد شعله، میر سید علی مشتاق، میرزا نصیر اصفهانی، لطفعلی بیگ شاملو و... که دیدند نظم از لطافت و رونق افتاده است با پیشگامی مشتاق طومار سبک هندی را در هم پیچیدند و با روی گردانی از سبک هندی به شیوه سبک عراقی بازگشتند. در میان این سخنوران پیشقدم میر سید علی مشتاق و لطفعلی بیگ آذر نویسنده تذکره مشهور آتشکده بودند. مشتاق در اصفهان یاران را فراهم آورد و انجمنی به نام انجمن مشتاق بنیاد نهاد. [۷]

بنابراین در نیمه دوم قرن دوازدهم یعنی اواخر دوره افشاریه «جنبش بازگشت» شکل گرفت. رواج اصلی سبک بازگشت از زمان فتحعلی شاه قاجار به بعد است. مقصود از شعر بازگشت، شعر در سده دوازدهم و سیزدهم هجری قمری است. این جریان دو شاخه اصلی دارد: نخست شاعران عصر افشار و زندیه که در نزد شاعرانی چون مشتاق و آذر و عاشق اصفهانی و طیب، هاتف، صباحی بیدگلی دیده می شود و دیگر شعر عصر قاجار که شاعرانی چون فتحعلی خان صبا، نشاط اصفهانی، مجمر، سروش و قآنی و فروغی بسطامی آن را جلوه داده اند. [۸] «تقلید» چشمگیرترین اصل رایج شعر این دوره است، اما به حقیقت، نگاه آنها به این اصل، علاوه بر پاسداری از استخوانبندی اصیل شعر فارسی و تصحیح انحراف روزافزون سبک قبل، به میزان فراوانی در تسهیل مسیر بعدی شعر فارسی پس از مشروطیت مؤثر بود. سهم عمده ای از این تأثیر، متعلق به حوزه ادبی اصفهان است. [۹] در دوره اول این سبک شاعران بیشتر از اصول سبک عراقی و در دوره دوم به

هر دوشيوه عراقي و خراساني شعر مي سرودند. اهداف مهم شاعران و نويسندگان سبک بازگشت نزديکي به شعر کهن و پشت پا زدن به اصول سبک هندي و جلوگيري از ابتذال در شعر و نثر بوده است.

در واقع شعر دوره بازگشت خلاصه اي از سبک ها و جريانات مهم ادبي دوره هاي قبل است در شعر بازگشت، استعاره هم مانند تشبيه حول عشق و معشوق مي گردد. معمولاً شاعر در ارائه استعاره، پيوسته تازگي و غرابت را در نظر داشته است. اين غرابت و تازگي، در ترندهاي زيبايي است که شاعر همراه استعاره به کار مي گيرد، به طوري که استعاره در درون يک فضای جالب و گيرا، جلوه مي کند. شاعر بازگشت، به پيوندهاي ميان شخصيت هاي بيت بسيار علاقه نشان مي دهد اما تناسب هاي ميان واژگان بيت در شعرچندان پنهان نيستند و اين شيوه يعني صراحت تصويري در نظر اين شاعران، ارزش و هنر به شمار مي آمده است. [۱۰]

از نظر زباني، زبان شاعران نخستين سبک بازگشت از قبيل مشتاق و آذرو صباحي خام و ابتدائي است. مثلاً در اين دوره بسياري از ويژگيهاي فراموش شده زبان از جمله الف اطلاق که از قرن ششم به بعد فراموش شده بود در شعر رواج يافت و شاعراني چون آذربا زبان مردم، عاميانه و ساده و از صميم قلب سخن مي گویند. از نظر فکري افکار مرسوم در دوره غزنوي و سلجوقي در قصيده و افکار دوران حافظ و سعدي در غزل آورده مي شد. از مسائل روز استفاده نمي شد. در سبک بازگشت بيشتر قصيده مورد توجه بود. در غزل مضامين عاشقانه و عارفانه مرسوم بود. از مسائل اجتماعي و سياسي و اقتصادي در شعر نمي گفتند. قصيده دو نوع بود: يکي به سبک غزنوي که صنايع ادبي کم بود و يکي سبک سلجوقي که پر از صنايع ادبي است.

شعراي اين دوره کمتر به ابتکار مضامين توفيق يافته اند و به ندرت معاني تازه آورده اند ليکن به سهم خود در احياي زبان و ادبيات کهن ايران و تجديد خاطر سرانندگان قدیم خدمتي لايق انجام داده اند و زبان فارسي را تا حدی که مي توانسته اند، از سستي و نادرستي دورداشته اند. اما به طور کل در تقليد گذشتگان به راه افراط افتاده اند و اشعار آن ها صورتی غير مانوس به خود گرفته است. [۱۱]

اختصاصات سبک ديوان:

در سروده هاي آذر مي توان اوج هنري کلاسيک نظامي، سعدي، حافظ، سلمان ساوجي و ديگران را ديده و ويژه که قصايد و غزلياتي در اقتفای آثار حکيم انوري، کمال الدين اسماعيل اصفهاني، ظهيرالدين فاريابي، جلال الدين محمد مولوي، همام تبريزي و ديگران ساخته است. آذر بيشتر متمایل به مشهورترين شاعران سبک عراقي و خراساني است. در غزل بيشتر از سعدي و حافظ و کمتر از عراقي و جامي و مولوي

و کمال اسماعیل پیروی می کرد و قصایدش را بیشتر مانند ظهیر فاریابی سروده است. وی وزن اشعار را هماهنگ با مضمون آن ها برگزیده و شعر را با موسیقی در هم آمیخته است و یک اثر ادبی دلنشین و رنگارنگ را به وجود آورده است. اشعار وی از لحاظ مضمون ممتاز و از لحاظ صنایع بدیعی، اسلوب پوئیک، طبیعی بودن و اصالت خود کم نظیر است. آذر در اشعار خود به طور مبسوط از ادبیات شفاهی و امثال و حکم بهره برداری کرده و بر حسب ضرورت آن ها را با کمال مهارت و استادانه به کار برده است. وی برای افزایش تأثیر کلام و قدرت بیان خود از انواع علوم و فنون ادبی استفاده کرده از جمله به تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تعریض، مبالغه، تضاد، تکریر، انطاق، تشخیص، جناس، خطاب، ندا، سؤال و غیره اهمیت ویژه داده است. در زمینه قافیه پردازی چنان در گزیدن ردیف و قافیه ماهر و مجرب است که این حسن انتخاب به اشعار وی مزیت خاصی بخشیده است. ردیف و قافیه ها موزون و روان است به ویژه قافیه های داخلی. [۱۲] در زمینه لغات، بیشتر لغات و واژگان دیوان وی به تقلید از گذشتگان است و ابتکار و نوآوری در زمینه ترکیبات نو دیده می شود. انواع اضافه ها و ترکیبات وصفی با دقت و ابتکار خاصی ایجاد شده اند. البته لغات و اصطلاحات عامیانه در شعر او فراوان است.

دیوان آذر به واسطه به کارگیری تشبیه، به سان بوم نقاشی می ماند که نقاشی کلامی (شاعر) به جای استفاده از بوم و رنگ از واژه و موسیقی برای خلق تصویرهای کلامی و نگارگری های شاعرانه استفاده نموده است و در دیوان آذر علاوه بر تشبیهاتی که خلق و آفریده شاعران عصر کهن ادبیات است خود شاعر نیز به خلق و ابداع تشبیهاتی نو و بکر پرداخته است. و در بوم نقاشی شاعر (دیوان) از هر قسم تشبیه یافت می گردد که شاعر در به کارگیری آن ها نهایت هنرمندی و قدرت شاعرانه خویش را به نمایش گذاشته است. [۱۳]

تأثیر قرآن و حدیث در دیوان آذر:

آیات:

۱. گه بذل خاتم، ستودش به آیه
گه قتل مرحب، رساندش مرحاب (صفحه ۵)
اشارت به بخشیدن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) انگشتی خود را در وقت ادای نماز. ← تفسیر آیه مبارک (۵۵) از سوره شریف مانده (۵): «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

۲. دليل حضرت آن، هادی طریق ظهور؛
مقیم سدهٔ این، ساکن سرای شد اد (صفحه ۳۸)
اشاره به آیه (۱۲) سورة النبأ (۷۸): «وَبَنِينَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا.» و زبر شما هفت آسمان سخت افراختیم.
۳. امانتی که شناسایش عبارت از اوست
چو عشق دید در انسان، به نوع انسان داد (صفحه ۴۱)
- ز خاک، سر به در آرند ظالمان جهول؛
برات سیم و زر آرند جاهلان ظلوم (صفحه ۱۱۶)
اشاره به آیه (۷۲) سورة احزاب (۳۳): «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.» اما امانت عشق و مهر و وفای خود را به آسمانها و زمینها و کوهها عرضه داشتیم، بهجمله از برگرفتن آن سر باز زدند و از آن بهراسیدند. انسان آن را پذیرفت و برداشت. چه وی جفاکش و نادان است.
۴. چو فردوس، از سرو باغش مشجر
چو جنت، ز آیینۀ صرّحش ممرّد (صفحه ۵۱)
اشاره به آیه (۴۴) سورة النمل (۲۷): «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» - گفتند بلقیس را: در طارم آی، چون دید طارم را [از آبگینه] پنداشت که آب ژرف است دامن از ساق بر کشید که پای در آب نهد [سلیمان] گفت: آن طارمی است از آبگینه پاک ساخته. بلقیس گفت: خداوند من، من بر خویشتن [بآفتاب پرستی] ستم کردم و گردن نهادم و مسلمان شدم و تن بدادم با سلیمان خداوند جهانیان را.
۵. گوی زرین سازدت از قرص مهر
بهر چو گان ماه چون عرجون کند (صفحه ۵۸)
اشاره به آیه مبارک (۳۹) از سورة شریف یس (۳۶): «وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» و ماه را آن را اندازه کردیم در رفتن منزلها در شبان روز تا آن که باز گردد « چون شاخ خرما » .
۶. رسدش از فرشته آنچه رسید
بر ابابیل از صحابهٔ پیل (صفحه ۸۶)
اشاره به داستان اصحاب فیل در قرآن. سورة فیل (۱۰۵)
۷. غزلی چند، کش اگر بینند؛
حسن ترتیب و صنعت ترتیل (صفحه ۸۸)
اشاره به آیه (۳۲) سورة فرقان (۲۵): «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا.» ناگرویدگان گفتند چرا قرآن را به یکبار فرو نفرستادند. آن را پراکنده فرستادیم تا دل تو را بدو نیرو دهیم و آن را گشاده به تو رسانیدیم و بر تو خواندیم.
۸. آردش زیر پا، زمین سجّح
باردش بر سر آسمان، سجّیل (صفحه ۸۹)
اشاره به آیه (۸۷) سورة مطففین (۸۳): «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينَ (۷) وَ مَا آدْرِيكَ مَا سِجِّينَ. (۸)» آگاه

باشيد نامه کردار و سرانجام بدان در سجین [در بترینه زندان] است و چه دانی که آن زندان [از صعبی] چه چیز است؟!

۹. کالآنعامند حاسدانت
خاکم به دهن، گزاف بل هم (صفحه ۹۲)
اشاره به آیه (۱۷۹) سورة اعراف (۷): «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلئك هُمُ الْغَافِلُونَ.» و آفریدیم ما دوزخ را فراوانی از پریان و آدمیان. ایشان را دلهایی است که به آن حق درنیابند و ایشان را چشمهاییست که حق به آن ببینند و ایشان را گوشهاییست که به آن حق بشنوند. ایشان همچون ستورانند نه راست چون ستور، بلکه گمراهتر از ستور ایشان اند که از حق و راه آن غافلان اند.

۱۰. چنان کز هاتف غیب آمد از فرعونیان پنهان به گوش مادر موسی ندای فاقدفی فی الیم (صفحه ۹۹)
اشاره به آیه (۳۹) از سوره طه (۲۰): «أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْدِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَ عَدُوٌّ لَهُ وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَ لَتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي» که موسی را در تابوت کن و آن تابوت در دریا افکن تا دریا او را با کران افکند تا بگیرد او را کسی که دشمن است مرا و دشمن است او و بر تو افکنم دوستی از خویشتن و می پروند بر دیدار چشم من.

۱۱. گلزار جنان بود صفاهان و، چو رفتی از آتش هجر تو ز اصحاب سعیرم (صفحه ۱۰۳)
اشاره به آیه (۱۰) و (۱۱) سورة ملک (۶۷): «وَ قَالُوا كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰) فَأَعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱) وَ آنگاه گویند که اگر ما (در دنیا) سخن انبیا شنیده یا به دستور عقل رفتار می کردیم امروز از دوزخیان نبودیم. (۱۰) آنجا به گناه خود معترف شوند (که سودی ندارد و خطاب قهر رسد) که اهل آتش را دوری باد. (۱۱)

۱۲. ز کاسه سر تفسیده مغان غسلین ز سفره تن پوسیده سگان زقوم (صفحه ۱۱۵)
آیه (۶۲ و ۶۳) سورة صافات (۳۷): «أَذَالِك خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقومِ» - آن حال به و جای خورش یا درخت زقوم؟ «إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ.» - ما درخت زقوم را آزمونی و دل شوری نگرویدگان کردیم.

۱۳. فضای جنت بی تو، مرا چو قعر سعیر زلال کوثر بی تو مرا چو شرب الهیم (صفحه ۱۲۱)
اشارات به آیه (۵۵) از سورة واقعه (۵۶) «فَسَار بُونَ شُرْبِ الْهِيمِ» می آشامیده آشامیدن ریگ خشک یا شتران تشنه.

۱۴. ز نیم سنگ به پیمانۀ حیات کسی که خوانده ایزدش از جرم خصمی تو ز نیم (صفحه ۱۲۱)
اشاره به آیه (۱۳) سورة القلم (۶۸) «عُتِلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَيم.» درشتخویی با آن همه نادرست اصلی بدنامی.